

The Position of Mir Samani during the Reign of Jahangir Shah Gurkani (Position and Duties)

Hossein Tavakoli¹, Qanbarali Roudgar^{2✉}, and Masoumali Panjeh³

1. PhD Student, Department of History, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Sciences and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail: htavakoli.m@yahoo.com

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Theology Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: gh.roodgar@cfu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of History and Archaeology, Sciences and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: panjeh@srbiau.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2022-10-31

Received in revised form
2022-12-15

Accepted 2023-01-07

Available online
25 March 2025

Keywords:

Gurkhanians,
Jahangir Shah,
Mir saman,
Gurkhanians
administrative
organization.

ABSTRACT

The position of Mir Samani was one of the court positions and royal organization of Jahangir Shah (reigned: 1014-1037 AH/1605-1628 AD). With the expansion of the departments, workshops, and centers for the production of the necessities of Jahangir Shah's court, it was necessary for a skilled and trusted person to be placed at the head so that he could supervise their activities in an orderly manner and according to the desire of the king. During the reign of Jahangir Shah, the supreme supervision of these workshops and factories was the responsibility of Mir Saman or Khan Saman, who was in fact the head of all the workshops or royal domiciles and the overseer of the entire kingship. The sources mention between thirty-six and seventy royal factories under Mir Saman's supervision, the most important of which were the treasury, mint, carpets house, armory, pantry, kitchen, and royal stables.

The results of the research show that the Gurkhanids, especially Jahangir Shah, established this position by being influenced by the administrative system of the Muslim governments of India (the Delhi Sultans) and the Safavids of Iran, in order to establish and strengthen a unified, centralized, and organized bureaucratic organization. The vast scope of influence and power of Mir Saman also meant that, in terms of administration, the position of Mir Saman was second only to the position of minister in the court. This research introduces and examines the position and duties of Mir Saman during the reign of Jahangir Shah Gurkani. The research method is historical and descriptive-analytical using primary library sources.

Cite this article: Tavakoli, M.H., Rodgar, G.A., & Panjeh, M. (2025). Title of the paper: All words in the title should be in lowercase (except for the first letter of the title and any nouns, initial letter of first word, initial of first word after a colon, and proper). *Discourse of History*, <https://doi.org/10.22034/skh.2024.16546.1438> 19 (51), 112-128.

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/skh.2024.16546.1438>



منصب میرسامانی در دوره جهانگیرشاه گورکانی (جایگاه و وظایف)

حسین توکلی مقدم^۱، قنبرعلی رودگر^۲، و معصومعلی پنجه^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: htavakoli.m@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

رایانامه: gh.roodgar@cfu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ و باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: panjeh@srbiau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

کلیدواژه‌ها:

گورکانیان،

جهانگیرشاه،

میرسامان،

تشکیلات دیوانی گورکانیان.

منصب میرسامانی جزو مناصب درباری و تشکیلات سلطنتی جهانگیرشاه (حک: ۱۰۱۳-۱۰۱۴ ق / ۱۶۰۵-۱۶۲۸م)، بود. با بسط و گسترش دوایر، کارگاه‌ها و مراکز تهیه و تولید ملزومات دربار جهانگیرشاه، لازم بود فردی کاردان و مورد اعتماد شاه در رأس همه آنها قرار گیرد تا بتواند با نظم و ترتیب و بر اساس اراده و میل شاه بر فعالیت آنها نظارت داشته باشد. در دوره جهانگیرشاه نظارت عالی بر این کارگاه‌ها و کارخانه‌ها بر عهده میرسامان یا خان سامان بود که در حقیقت سرپرست کل کارگاه‌ها یا بیوتات سلطنتی و ناظر کل دستگاه سلطنت بوده‌است. در منابع تعداد کارخانه‌های سلطنتی زیر نظر میرسامان بین سی و شش تا هفتاد مورد ذکر شده است که مهمترین آنها خزانه، ضرابخانه، فراشخانه، قورخانه، زرادخانه، آبدارخانه، آشپزخانه و اصطبل‌های سلطنتی بودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گورکانیان به‌ویژه جهانگیرشاه این منصب را با تأثیرپذیری از نظام اداری حکومت‌های مسلمان هند (سلاطین دهلی) و صفویان ایران و در جهت برقراری و تقویت تشکیلات دیوانسالاری واحد، متمرکز و سازمان‌یافته سروسامان دادند. حوزه وسیع نفوذ و قدرت میرسامان نیز موجب شد از لحاظ اداری، مقام میرسامان بعد از مقام وزیر، دومین جایگاه را در دربار داشته باشد. این پژوهش به معرفی و بررسی جایگاه و وظایف میرسامان در دوره جهانگیرشاه گورکانی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی و شیوه آن توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای می‌باشد.

استاد: توکلی مقدم، حسین؛ رودگر، قنبرعلی؛ و پنجه، معصومعلی (۱۴۰۴). منصب میرسامانی در دوره جهانگیرشاه گورکانی (جایگاه و

وظایف). سخن تاریخ، ۱۹ (۵۱)، ۱۱۲-۱۲۸. <https://doi.org/10.22034/skh.2024.16546.1438>



درآمد

ظهیرالدین بابر^۱ گورکانی (حک: ۹۳۲-۹۳۷ ق / ۱۵۲۶-۱۵۳۰ م) از نوادگان تیمور با قدرت‌گیری شیبک‌خان ازبک در آسیای مرکزی ناچار شد با نیروهایش به هندوستان رفته، در آنجا بعد از پیروزی در نبرد پانی‌پت،^۲ حکومت گورکانیان (تیموریان / بابریان هند) (۹۳۲-۱۲۷۴ ق / ۱۵۲۶-۱۸۵۷ م) را پایه‌گذاری کند. (بداؤنی، ۱۳۸۰: ۲۳۱/۱؛ فرشته، ۱۳۸۷: ۶۲۶/۱؛ هروی، ۱۹۲۷: ۲۵۴/۱، ۲۵۸؛ عبدالله، ۱۹۵۴: ۹۹-۱۰۱؛ هروی، ۱۹۲۷: ۳۵۱/۱) این حکومت بیش از سه سده و با ظهور حاکمان مقتدری چون ظهیرالدین بابر، نصیرالدین همایون-شاه (حک: ۹۳۷-۹۶۳ ق / ۱۵۳۰-۱۵۵۶ م)، جلال‌الدین اکبرشاه (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ ق / ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م)، جهانگیرشاه، شاه‌جهان (حک: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق / ۱۶۲۸-۱۶۵۸ م) و اورنگ‌زیب (حک: ۱۰۶۹-۱۱۱۸ ق / ۱۶۵۹-۱۷۰۷ م) بر بیشتر مناطق شمال، شمال‌غرب، شمال‌شرق، غرب، مرکز و قسمتی از جنوب شبه‌قاره هند حکم راند. (باسورث، ۱۳۸۱: ۶۲۷-۶۲۴).

گورکانیان علاوه بر افزودن قلمرو تحت سلطه خود، تأثیر ماندگاری در تشکیلات هند به‌جای گذاشتند. آنان برای حفظ و اداره قلمروشان به تشکیلات و سازمان‌های گوناگونی نیازمند بودند؛ تشکیلات اداری هند اسلامی در دوره گورکانیان، انسجام، سازمان‌دهی و توسعه فراوان یافت، لذا دوره گورکانیان از نظر ایجاد نهادهای مختلف و تغییراتی که بخشی از آن معطوف به مناصب و مقامات درباری است، حائز اهمیت زیادی می‌باشد. در این میان درگاه یا بارگاه، تشکیلات، مناصب و نظام خاص خود را داشت. درگاه محل سکونت سلطان، خانواده و خدمه‌اش بود، برای همین تأمین نیازمندی‌های آنان که با نظم و دقت انجام شود، اهمیت زیادی داشت. یکی از منصب‌هایی که در تقسیم‌بندی دیوانسالاری دوره جهانگیرشاه، جزو مناصب درباری و تشکیلات سلطنتی به‌شمار می‌رود، منصب میرسامانی/خان‌سامانی بود. میرسامان جهانگیرشاه در ایجاد نظم و اداره دربار سلطنتی نقش مهمی بر عهده داشت و جهانگیرشاه نیز توجه ویژه‌ای به این منصب داشته، بر اهمیت آن افزود. این پژوهش با روش تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای به دنبال آن است تا وظایف، جایگاه و تحولات مقام میرسامان در دوره جهانگیرشاه را مشخص سازد، بنابراین در پی پاسخ دادن به سؤالات زیر می‌باشد:

1. Bābur.

2. Pānīpat.

منصب میرسامان گورکانیان گشته برداری از تشکیلات چه حکومت‌هایی می‌باشد؟ اهمیت، جایگاه و وظایف منصب میرسامان در تشکیلات دوره جهانگیرشاه گورکانی چه بوده است؟ تاکنون پژوهش‌های جامعی درباره منصب میرسامانی در دوره جهانگیرشاه گورکانی صورت نگرفته است. تنها سرکار و قریشی در کتابشان^۱ اشاراتی به منصب میرسامان داشتند؛ قریشی به تغییر این واژه در هند اسلامی اشاره کرد و سرکار لیستی از وظایف میرسامان را ارائه داده است.

تاریخچه منصب میرسامان

در دوره اسلامی، نخستین کاربرد «بیوتات» به مفهوم دوایر خدماتی نزدیک به دستگاه سلطنتی، در دوره سلجوقیان (حک: ۴۲۹-۵۹۰ ق / ۱۰۳۷-۱۱۹۴ م)، به‌ویژه سلاجقه روم (حک: ۴۷۰-۷۰۰ ق / ۱۰۱۷-۱۳۰۰ م) قابل ردگیری است. (ابن بی‌بی، ۱۳۲۰: ۱۰، ۱۲، ۷۱) پس از حمله مغول و تشکیل دولت ایلخانان (حک: ۶۵۴-۷۵۴ ق / ۱۲۵۶-۱۳۴۴ م) اصطلاح بیوتات جای خود را به «کارخانه» داد. (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۰۴۹، ۱۱۳۵؛ شمس منشی، ۱۹۶۴: ۲ / ۷۷، ۸۳) با روی کار آمدن صفویان بار دیگر اصطلاح بیوتات در کنار کارخانه رواج یافت و در دوره شاه‌عباس اول (حک: ۹۸۵-۱۰۳۸ ق / ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م) منصب ناظر بیوتات برای سروسامان دادن به بیوتات سلطنتی ایجاد شد. (شاردن، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۳۰۵؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۲۰، ۲۲، ۲۴) این تشکیلات در این عصر شامل کارخانه‌های متعددی بود که شمار آنها را منابع مختلف به تفاوت سی و سه، پنجاه و سی و دو کارخانه ذکر کرده‌اند. (نصیری، ۱۳۷۲: ۲۱؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۴۵؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۴۲۰) در دوره صفویه ناظر و رئیس بیوتات با لقب عالیجاه مقرب‌الخانی (نصیری، ۱۳۷۲: ۲۲) بر کل کارگاه‌ها نظارت عالی داشته و رسیدگی به امور درباری و نظارت بر تمام بیوتات (کارگاه‌های) سلطنتی، صندوق‌خانه،^۲ جباخانه،^۳ املاک خالصه و ایلخی‌های^۴ پادشاه برعهده وی بوده است. (نصیری، ۱۳۷۲: ۲۲؛ فلسفی، ۱۳۷۱: ۲ / ۸۱۱) بنا بر

^۱ Sarkar, *Mughul Administration*; Qureshi, *The Administration Of The Mughul Empire*.

^۲ صندوق‌خانه در این دوره، محل صندوق‌های پول و اشیای نفیس دربار بوده که تهیه لوازمی چون خلعت و نشان از آنجا تأمین می‌شده است.

^۳ جباخانه یا قورخانه، محل ساخت و نگهداری ابزار و آلات جنگی در این دوره (انوری، ۱۳۸۱: ۳ / ۲۰۹۸). همچنین با نگاه به منابع مشخص می‌شود که جباخانه یکی از بیوتات سلطنتی بوده است. احتمالاً به‌سبب اهمیت آن به‌صورت مجزا در برخی از منابع ذکر گردیده است.

^۴ ایلخی: گله اسب و شتر.

این اوصاف، تشکیلات کارگاه‌های سلطنتی را دایره مجزایی به ریاست ناظر بیوتات اداره می‌کرد. (سیوری، ۱۳۸۴: ۶۴) ایران و هند دو همسایه بزرگ با تاریخ طولانی، دارای ریشه‌های نژادی و تاریخی مشترکی هستند که مناسبات آنها از عصر باستان تاکنون غالباً حسنه بوده است. این روابط در عصر حکومت صفویان بر ایران و گورکانیان در هند، گسترش چشم‌گیری داشت. گذشته از تحولات سیاسی، پیوند دیرینه ایرانیان و هندیان و اشتراکات فرهنگی متعدد موجب پیوند میان صفویان و گورکانیان شد و حضور پررنگ ایرانیان از جمله ادیبان، شاعران و علمای ایرانی فارسی زبان در دربار گورکانیان و دست یافتن به مناصب اداری، زمینه‌ساز آشنایی بیشتر دربار هند با فرهنگ ایرانی گردید. (بهنیافر، ۱۳۹۴: ۱۴)^۱ یکی از این موارد تاثیرپذیری از تشکیلات یکدیگر بوده است. به نظر می‌رسد این ارتباطات موجب شده باشد، ایجاد منصب میرسامان از مقام ناظر بیوتات صفویان تأثیر پذیرفته باشد.^۲

پیشینه دقیق کاربرد اصطلاحات کارخانه یا بیوتات در هند دوره اسلامی چندان مشخص نیست، اما با توجه به اینکه اساس و پایه تشکیلات اسلامی در هند توسط سلاطین دهلی^۳ پی‌ریزی شد، شناخت تشکیلات دیگر حکومت‌های هند اسلامی از جمله گورکانیان منوط و متکی به شناخت تشکیلات حکومت‌های سلاطین دهلی است. در دوره سلاطین دهلی منصب وکیل-در(وکیل دربار، وکیل درگاه) یکی از مقام‌های مهم دربار بود. به نظر می‌رسد «در» مخفف درگاه یا دربار باشد که فرشته آن را وکیل السلطنه معنی کرده است. (فرشته، ۱۳۸۷: ۲۵۶/۱) سلاطین دهلی این عنوان را از حکومت‌های ایرانی از جمله غزنویان و سلجوقیان اخذ کرده بودند. در دوره غزنویان، وظائف وکیل در شباهت بسیار به وظائف حاجب داشت. وی کارهای مربوط به درگاه سلطان و یا حاکم را انجام می‌داد و در بازدیدها حافظ نظم و آداب و رسوم تشریفات بود. (بی‌هقی، ۱۳۷۴: ۱۹۶/۱، ۲۱۳، ۲۵۴؛ میراحمدی، ۱۳۶۸: ۱۸۰) در دوره سلجوقیان، وکیل در در صورت لزوم رابط بین سلطان و وزیر بود. (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۲۳۴) خواجه نظام‌الملک ضمن بااهمیت

۱. در این زمینه نک. قریب، قاسم، «عوامل مؤثر بر روابط صفویان با گورکانیان»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، بهار ۱۳۹۷، صص ۴۹-۲۱.

۲. برای اطلاعات بیشتر نک. نژد نجفیان، محمدمین، محمدرضا مهدوی عباس آباد، «منصب ناظر بیوتات در دوره صفویه (از شاه عباس اول تا سقوط صفویه)»، پژوهشهای تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، دوره جدید، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۳۴-۱۱۵.

۳. سلاطین دهلی نام عمومی پنج دولت اسلامی؛ ممالیک (حک: ۶۰۲-۶۸۹ ق / ۱۲۰۶-۱۲۹۰ م)، خلجیان (حک: ۶۸۹-۷۲۰ ق / ۱۲۹۰-۱۳۲۰ م)، تغلقیان (حک: ۷۲۰-۸۱۵ ق / ۱۳۲۰-۱۴۱۲ م)، سادات (حک: ۸۱۷-۸۵۵ ق / ۱۴۱۴-۱۴۵۱ م) و لودیان (حک: ۸۵۵-۹۳۲ ق / ۱۴۵۱-۱۵۲۶ م) است که با مرکزیت دهلی بیش از سه قرن بر قسمت‌هایی از هند فرمانروایی داشتند.

دانستن این منصب، آگاهی از احوال مطبخ، شرابخانه، آخور و سراهای خاص و فرزندان را از وظایف وی ذکر نموده است. (نظام‌الملک، ۱۳۸۹: ۱۱۹) درباریان، ندیمان، شاهزادگان، ملکه و همه بخش‌های تشکیل دهنده خانواده سلطنتی یا بخش‌های وابسته مجبور به مراجعه به او بودند. (Qureshi, 1958: 59) وکیل در کنترل‌کننده خانواده سلطنتی بود و بر پرداخت‌ها، حقوق و مزایای کارکنان دربار پادشاهی نظارت می‌کرد. (Qureshi, 1958: 58-59) آشپزخانه، شرابخانه، اصطبل‌ها و حتی کودکان خاندان سلطنتی تحت مراقبت وکیل در بودند و تمام دستورات مربوط به خانواده‌های سلطنتی از طریق او اطلاع داده می‌شد. (نظام‌الملک، ۱۳۸۹: ۱۱۹) در دوره بهمنیان دکن (حک: ۷۴۸-۹۳۳ ق / ۱۳۴۷-۱۵۲۶م)، متصدیان کارخانه یا بیوتات عنوان میرسامان یا خان‌سامان داشته‌اند. میرسامان در این دوره ظاهراً رئیس ساختمان‌های شاهی بوده (Qureshi, 1958: 58) و بر خزانه مالی و گنجینه‌های درباری استیلا داشته، شریک سلطان قلمداد می‌شد؛ شاید از همین‌روست که پس از قتل عمادالدین محمود گاوآن، وکیل‌السلطنه معروف بهمنیان، در سال ۸۸۶ ق / ۱۴۸۱م به دست محمدسوم، برای دستیابی به خزانه گاوآن از میرسامان او بازجویی شد. (معصومی، ۱۳۸۹: ۹۷) با توجه به موارد ذکر شده، به نظر می‌رسد، منصب میرسامان در هند اسلامی برگرفته از منصب وکیل در باشد. (Abdulaziz, 1925: 21/581)

هم‌زمان با جایگزینی کارخانه با بیوتات در ایران دوره ایلخانی، در هند اسلامی نیز، که زبان فارسی، هم در میان مردمان عادی و هم در نظامات اداری، رواج داشته‌است، واژه کارخانه رایج شد؛ چنانکه شمس سراج عفیف در میانه سده هشتم از «سی‌وشش کارخانه» در دربار سلاطین دهلی نام برده است. وی در شرح اسباب کارخانه‌های فیروزشاه تغلقی (حک: ۷۵۲-۷۹۰ ق / ۱۳۵۱-۱۳۸۸م)، پیلخانه، پایگاه، مطبخ، شرابخانه، شمع‌خانه، شترخانه، سگ‌خانه، آبدارخانه، جامدارخانه، علمخانه، فراشخانه، رکابخانه، شکره‌خانه، زرادخانه، سلاح‌خانه، طشتدارخانه و جاندارخانه را ذکر کرده است. (عَفیف، ۱۳۸۵: ۳۳۷-۳۳۹) از نوع کارهایی که به نوشته عفیف در این کارخانه‌ها صورت می‌پذیرفت، می‌توان فهمید که این کارخانه‌ها در واقع وظایف بیوتات سلطنتی را بر عهده داشتند و به مفهوم سازمان‌های متنوع وابسته به دستگاه سلطنت و متصدی اداره امور روزمره دربار بوده و تقریباً تمامی ملزومات و مایحتاج دستگاه سلطنت را تأمین می‌کرده‌اند. کاربرد واژه کارخانه، به موازات رواج اصطلاح بیوتات در دوره گورکانیان هند نیز ادامه یافت. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۷، ۲۲۹، ۳۲۸، ۴۷۵، ۵۱۰، برنی، ۱۸۶۲: ۱۳۵؛ بختاورخان، ۱۹۷۹: ۸۳ / ۱) در دوره‌های مورد اشاره، مصطلحات بیوتات و کارخانه

کماییش به موازات هم در منابع به کار می‌رفته‌اند و به تبع، متصدی کارخانه یا بیوتات نیز عنوانی دوگانه داشت؛ بدین معنا که گاه او را میربیوتات و گاه میرسامان یا خان‌سامان می‌خوانده‌اند. (بایزید، ۱۳۸۲: ۷۳؛ جهانگیر، ۱۳۵۹: ۳۲۸؛ بختاورخان، ۱/ ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۴۶)

در اوایل عهد گورکانیان، در دوره حکومت ظهیرالدین بابر، نصیرالدین همایون‌شاه و جلال‌الدین اکبرشاه، اداره بیوتات، سازمان‌ها و کارخانه‌های دستگاه سلطنت برعهده شخصی بود که عنوان میربیوتات داشت. در کتاب قانون‌همایونی یا همایون‌نامه اثر خواندمیر که از منابع مهم درباره آیین و آداب دوره همایون‌شاه گورکانی است، با آن که ذکری از منصب میرسامان / میربیوتات نرفته، از امیر جلال‌الدین محمد اویسی نام برده‌شده که موظف به سر و سامان دادن به امور بیوتات بوده‌است. (خواندمیر، ۱۳۵۹: ۲۶۸) بایزید بیات (د. پس از ۹۹۹ ق / ۱۵۹۰ م) در کتابش سه اصطلاح میربیوتات، میرسامان و ناظر بیوتات را بدون اشاره به جایگاه این مناصب به کار برده‌است؛ وی ابتدا در گزارش از لشکرکشی همایون‌شاه به کابل و نواحی اطراف، از جلال‌الدین محمود اوبهی با عنوان میربیوتات نام برده که مأمور بود تا ملزومات آسایش و اتراق سلطان را تهیه کند. (بیات، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴) بیات سپس ضمن اشاره به فهرست ملازمان همایون در لشکرکشی برای فتح دیگر ایالات هندوستان از شهاب نیشابوری با عنوان میرسامان همایون نام برد. (بیات، ۱۳۸۲: ۱۷۶-۱۷۸) وی در نهایت در گزارش از ماجرای آتش‌سوزی فراش‌خانه در زمان حکومت اکبرشاه به سال ۹۶۸ ق / ۱۵۶۰ م از تمرتاش / تیمورتاش، داماد خواجه معین، با عنوان ناظر بیوتات نام برده‌است. (بیات، ۱۳۸۲: ۲۴۶-۲۴۷) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تعبیر میرسامان یا خان‌سامان به مفهوم رئیس و ناظر بیوتات یا کارخانه‌های دستگاه سلطنت، در دوره جهانگیرشاه رواج یافت و به تدریج به یکی از مناصب مهم حکومت گورکانی تبدیل گردید.

جایگاه مقام میرسامان

در تشکیلات دوره جهانگیرشاه منصب میرسامان یکی از مقام‌های مهم دربار محسوب می‌شد و دومین جایگاه را بعد از دیوان وزارت در دربار در اختیار داشته، در رأس کلیه نهادهای سلطنتی بود. (علامی، ۱۸۷۲: ۴) میرسامان فقط در امور مالی به وزیر وابسته بود. او همه امور را مستقیماً به پادشاه گزارش می‌داد. (Qureshi, 2002: 75) میرسامان امور مملکتی را در دیوان بیوتات نظارت و هدایت می‌کرد. انتصاب میرسامان بر عهده پادشاه قرار داشت و جهانگیرشاه دقت زیادی در انتخاب میرسامان‌ها داشت. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۷۱) به دلیل نزدیکی مقام میرسامان به شاه، این مقام یکی از رتبه‌های مهم دربار به شمار می‌رفت زیرا

جهانگیرشاه به میرسامان خود، ارادتخان، یک زنجیر فیل پیشکش کرد (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۲۸۷) و فیل در هند از جمله پیشکش‌های سلاطین به افراد شایسته به شمار می‌رفت. ضمن اینکه رسم پیشکشی دو طرفه بود و پیشکش‌های ارادتخان نیز مورد قبول جهانگیرشاه واقع شده بود. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۸۱، ۳۰۲)

باتوجه به مسئولیت میرسامان، انتخابش معمولاً از میان مأموران عالی رتبه دیوانی صورت می‌گرفت تا شایستگی کامل برای احراز این شغل را داشته باشد. عزل میرسامان نیز بر عهده پادشاه بود و به دلایل گوناگون رخ می‌داد، ازجمله زمانی که سلطان جدید بر تخت سلطنت می‌نشست، امکان داشت میرسامان عزل شود.

میرسامان تعدادی نیروی نظامی تحت فرمان داشت؛ جهانگیرشاه بر نیروهای میرسامان خود (ارادتخان)، سیصد ذات (پیاده) و دویست سوار اضافه کرد که در نتیجه تعداد کل نیروهایش به هزار پیاده و دویست سوار رسید. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۸۰) جهانگیرشاه این تعداد را مجدداً افزایش داد و به هزار و پانصد پیاده و ششصد سوار رساند، (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۲۱۲-۲۱۳) که نشان دهنده اهمیت روزافزون مقام میرسامان در دوره وی می‌باشد. میرسامان در صورت لزوم در فعالیت‌های نظامی هم شرکت می‌کرد؛ سندرداس، میرسامان جهانگیرشاه، در به اطاعت درآوردن رانا امرسنگه نقش داشت و به همراه ملاشکرالله از طرف جهانگیرشاه پیش رانا فرستاده شد تا «فرمان عنایت عنوان و نشان پنجه مبارک» را به وی تحویل دهد. بعد از این موفقیت سندرداس به خطاب رای‌ایان ممتاز شد. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۵۵-۱۵۶)

کسانی که در مقام میرسامان بودند امکان داشت به مقام‌های بالاتری هم دست پیدا کنند؛ همانگونه که ارادتخان به صاحب‌صوبگی کشمیر سرفراز شد (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۳۵۷) و ابوالحسن آصف‌خان با ترقی جایگاه، به وزارت و منصب هفت‌هزاری رسید. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۴)

در انتخاب میرسامان به توانمندی‌شان اهمیت داده می‌شد و قومیت و ملیت اهمیت چندانی نداشت؛ با این حال با بررسی نام کسانی که در دوره جهانگیرشاه به این منصب رسیدند می‌توان نتیجه گرفت که منصب میرسامانی بیشتر در اختیار ایرانیان بود و جهانگیر این منصب را فقط گاهی به برخی از هندوان چون سندرداس هندو بخشیده بود. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۴، ۲۷، ۱۵۵، ۱۷۱، ۳۲۸) فارغ از نژاد و تبار، جهانگیرشاه در انتخاب رئیس بیوتات سلطنتی به عقبه افراد دقت می‌کرد و افرادی قابل اعتماد، از نزدیکان خود یا درباریان را پس از گذراندن مناصب پایین‌تر به این منصب بر می‌گزید. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۲۷) چنانکه در کتاب جهانگیرنامه در ذکر وقایع سال نخست به تخت نشستنش در سال ۱۰۱۴ ق / ۱۶۰۵ م ضمن اشاره به ترفیع رتبه خواجه غیاث-

بیک تهرانی معروف به اعتمادالدوله از مقام ریاست دیوان بیوتات به وکیل السلطنگی، می‌نویسد: «معزالملک را که در زمان پدرم مشرف کراکراخانه^۱ بود، به جای اعتمادالدوله به خدمت دیوان بیوتات (میرسامانی) منصوب کردم». (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۲۷) جهانگیر، مهرالنساء بیگم، دختر غیات بیک تهران، را در سال ۱۰۲۰ ق به ازدواج خود در آورد. به دستور جهانگیر، مهرالنساء ابتدا به عنوان نورمحل، و سپس به لقب نورجهان بیگم ملکه قلمرو تیموری (بابری) شد. با ورود مهرالنساء به دربار جهانگیر به عنوان ملکه، شوکت خاندان تهرانی دوچندان شد و میرزا ابوالحسن خان آصف خان، برادر نورجهان به «خطاب اعتقادخانی» و منصب «خان سامانی» ارتقا یافت. (علیزاده مقدم، ۱۳۹۲: ۱۰۲) وی یکی از میرسامان‌های معروف دوره جهانگیر به شمار می‌رود که به همراه پدر و خواهرش، نورجهان بیگم، قدرت را در قبضه خود داشت. مدتی بعد ابوالحسن آصف خان به وزارت و منصب هفت‌هزاری رسید و در اداره سرزمین هند با پدرش اعتمادالدوله سهیم شد. پس از آصف خان مدتی سندرداس هندو در اواخر سال ۱۰۲۳ ق / ۱۶۱۴ م میرسامانی را برعهده داشت. در سال ۱۰۲۴ ق / ۱۶۱۵ م، وقتی سندرداس، منصب «رای‌رایان»^۲ را دریافت کرده بود، ارادتخان، پسر دیگر اعتمادالدوله تهرانی، که مقام قوربیگی و بخشیگری صوبه پتمنه و حاجی‌پور را برعهده داشت، به منصب میرسامانی رسید. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۶۷، ۱۷۱، ۲۸۷، ۳۲۸) ارادتخان در سال ۱۰۲۹ ق / ۱۶۱۹ م به صوبه‌داری کشمیر رسید و به دنبال آن میرمحمدامین شهرستانی معروف به میرجمله، از اهالی اصفهان، از منصب عرض‌مکرر^۳ به میرسامانی رسید. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۳۵۷) میرجمله نیز در اواخر سلطنت جهانگیرشاه به بخشیگری خزانه‌داری دربار یا همان ریاست خزانه عامره رسید و افضلخان به خدمت خان سامانی سرافرازی یافت. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۴۹۸)

وجود بخش‌هایی چون خزانه، قورخانه و زژادخانه در میان دیوان بیوتات که همه این کارگاه‌ها و کارخانه‌ها زیرنظر میرسامان اراده می‌شدند، نشان دهنده اهمیت و جایگاه فوق‌العاده میرسامان از جنبه‌های مختلف اقتصادی و نظامی می‌باشد.

وظایف میرسامان

دیوان بیوتات در عصر جهانگیرشاه به‌تدریج گسترش یافت و کارگاه‌ها یا کارخانه‌های متنوعی از

۱. رئیس یا ناظر کارگاه ریسندهی و پشم‌بافی.

۲. اشراف هندو که زمینداران بزرگ بودند و رابط میان کشاورزان و حکام مسلمان محسوب می‌شدند.

۳. کسی که عرایض و درخواست‌های درباریان و مردم را به پادشاه می‌رساند و در واقع کار حاجبی را انجام می‌داد.

قبیل خزان، ضرابخانه، فراشخانه، قورخانه، کارگاه ساخت مهرهای سلطنتی، پیشخانه،^۱ آبدارخانه، آشپزخانه، میوه خوری، عطاری، کمد، رختخواب و تشک، پیلخانه، اصطبل‌های سلطنتی،^۲ ساختمان‌ها، کتابخانه، زرادخانه، کارگاه‌های ساخت شال و منسوجات را شامل می‌شد (Qureshi, 2002:59); جهانگیر، ۱۳۵۹: ۳۰، ۸۵-۸۶، ۱۷۱، ۱۹۲، ۲۲۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۶۰، ۴۵۷، ۴۷۵، ۴۸۶، ۵۱۰) که ملزومات و احتیاجات دربار و سلطان اعم از خوراک، پوشاک، وسایل تزئینی، لوازم تشریفات، تسلیحات نظامی و نظایر آن را در دربار تهیه می‌کردند یا می‌ساختند و در ارتباط با امور سلطنتی و تشریفات دربار در سفر و حضر در خدمت پادشاه بودند. این کارخانه‌ها به طور عمومی به سی و شش کارخانه شهرت داشتند اما به نوشته قریشی، سرکار نام بیش از هفتاد کارخانه را از منابع مختلف گردآوری کرده است. (Qureshi, 2002:59) به همین دلیل میرسامان شرح وظیفه گسترده‌ای داشت. ساجن، میرسامان را مسؤول تدارکات و ذخایر ضبط کرده است که وظیفه داشته همه پروانه‌ها یا فرمان‌های مرتبط با پرداخت‌های نقدی خانواده سلطنتی را امضا کند. (Sajun, 1724: 622) انتخاب رؤسای کارخانه‌ها، مقامات و مأموران پایین‌تر دیوان بیوتات عملاً در دست میرسامان بود. میرسامان تسویه حساب پول و کالاهای جمع‌آوری شده در اداره دربار را برعهده داشت. این کالاهای زیر نظر میرسامان در زمان کنارگیری او از مقامش با مهر و موم به مشرف و تحویلدار سپرده می‌شدند. موجودی کالا با گزارش‌های نوشته شده می‌بایست تطابق می‌داشت وگرنه آنها باید نقصان را جبران می‌کردند. میرسامان یک سری از گزارش هزینه‌های سالانه را که زیر اسامی روسای کارخانه‌های مختلف مرتب شده بود با خودش نگه می‌داشت. وی از تعداد خلعت‌های (رداهای) موجود در خلعت‌خانه و کارخانه‌ها اطلاع داشت. همچنین اگر کارخانه‌ها لوازم ضروری نیاز داشتند، شرحی از هزینه‌ها (سرانجام) که برای تهیه خواسته‌ها ضروری بود را می‌نوشت تا به مسؤول مربوطه تحویل دهد و از دیوان تنخواهی بگیرد تا کالاهای ضروری را فراهم کنند. (Sarkar, 1920: 69-71)

میرسامان می‌بایست چیزهای زیبایی می‌خرد که احتمالاً پادشاه خوشش بیاید و آنها را برای تقدیم به وی نگهداری کند تا در موقعیت‌های مناسب از جمله دو عید (قربان و فطر) و یا دیگر مناسبت‌های جشنی، آنها را تحویل پادشاه دهد. میرسامان هدایای رسمی مرسوم را یک یا دو ماه

۱. لوازم آبدارخانه و اسباب سفر پادشاه مثل خیمه و غیره که جلوتر فرستند.

۲. برای اسب، شتر، گاو و قاطر.

قبل از تاریخ مناسبت‌ها حاضر می‌کرد تا در وقتی که آنها مورد نیاز هستند اظهار ناتوانی نکنند. میرسامان در ایام تشریفات نقش مهمی به‌عنوان نماینده سلطان ایفا می‌کرد و از جمله ملازمان سلطان هنگام گردش، سفر و شکار بود. جهانگیرشاه در کتابش به این موضوع اشاره دارد که: «چون ازین منزل کوه و کوتل و نشیب و فراز بسیار در پیش بوده به يك دفعه عبور اردوی کیهان‌پوی دشوار نمود. مقرر گشت که حضرت مریم الزمانی با دیگر بیگمان روزی چند توقف فرموده به آسودگی تشریف آورند... و ارادتخان میرسامان با عمله بیوتات و کارخانه‌جات به مرور عبور نمایند.» (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۳۲۷-۳۲۸) که نشان می‌دهد میرسامان با کارکنان و کارخانه‌های زیر مجموعه‌اش در این سفر همراه وی بوده‌اند.

گورکانیان سازندگان بزرگی بودند؛ به غیر از قصرها، مقبره‌ها، مساجد و باغ‌های معروفی که ساخته‌اند، تعداد زیادی بناهای عمومی با ماهیت ساده‌تر برای دولت و آسایش مردم ایجاد کرده بودند. تعدادی قلعه، پل، راه، کانال، کاروانسرا و خانه ساخته یا تعمیر کردند. اداره ساختمان زیر نظر میرسامان بود، زیرا از نظر اداری جزو بیوتات محسوب می‌شد. (Qureshi, 2002: 86) سرکار با استفاده از نسخ خطی و دست‌نوشته‌ها از جمله دستور العمل‌هایی^۱ که در اختیار داشت، شرح مفصلی از وظایف میرسامان را ذکر کرده است:

۱. تصدیق فیش‌های حقوقی کارگران و زیردستان به صورت روزانه، ماهانه و سالانه در مورد کسانی که به تازگی به کار گرفته شدند و همین‌طور افزایش حقوق کارگران قدیمی.
۲. انتصاب و به کار گماشتن و یا برکناری داروغه‌ها، امین‌ها (امانتداران)، مشرف‌ها و تحویلداران (در کارخانه‌های مختلف)
۳. پایه‌گذاری قوانینی برای کار کارخانه‌ها و خزائن
۴. نوشتن گواهی اجاره و دستمزد کارگران
۵. جواب دادن به مدیران کارخانه‌ها

^۱. دستورالعمل در دیوانسالاری هند تقریباً به معنی آیین‌نامه یا بخشنامه یا با کمی تساهل اساسنامه امروزی است که در آن به جزئیات امور اداری، مالی و چگونگی مثلاً وضع و دریافت مالیات یا چگونگی پرداخت دیوانسالاران پرداخته می‌شود. این دستورالعمل‌ها به‌ویژه آنها که متعلق به دوره گورکانیان است، به صورت سند و نسخه خطی در موزه‌ها و کتابخانه‌های هند یا کشورهای دیگر نگهداری می‌شود. دستورالعمل‌ها معمولاً به نام‌های مختلف از جمله نام سلطان، وزیر، نویسنده و یا موضوع و منطقه مشهور هستند. برای اطلاعات بیشتر نک.

۶. صادر کردن جواز برای پاداش
۷. نظارت بر وعده‌های غذایی
۸. گرفتن وثیقه برای تأمین مالی از ادارات و مدیران کارخانه‌ها
۹. در نظر گرفتن برنامه‌های کاربردی از کارگاه‌ها و فروشگاه‌ها.
۱۰. مراقبت بر نذر، صندوق خیریه و هدایا
۱۱. تنظیم کردن خوراک روزانه دام‌ها (چهارپایان)
۱۲. اجازه قرض دادن کالاها از کارخانه‌ها
۱۳. اجازه پخش و توزیع غذا (کاهش یا افزایش) و دستورنامه‌ها (احکام) غیر از نامه‌های دفاتر زنانه. این نامه‌ها ابتدا باید توسط میرسامان سپس توسط بیوتات امضاء شوند.
۱۴. پاسخ دادن به ارائه مالی نهایی حسابها (محاسبات) در ارتباط با بهترکردن پیشرفت‌های ایالت (مطالبات)
۱۵. مصادره دارایی‌ها (تصرف اموال بدون وارث). اگر دستور به استرداد است (به مامور حسابرسی)، آن موقع یک کپی (نسخه) از دستور را به اداره بفرستد (اداره دیوان) تا تنخواه او بر اساس آن پرداخت شود.
۱۶. اجرای فرمایشات (دستورهای) پادشاه
۱۷. گرفتن درآمد باغ‌ها، اجاره فروشگاه‌ها و خانه‌های مسکونی (متعلق به حکومت)
۱۸. صفحات تحویل مدارک کارخانه‌ها
۱۹. مهرکردن حساب‌های روزانه و اوارجه^۱ از صوبه‌ها همچنین عایدات اردوگاه دربار (پادشاه)

^۱. Awarijah.

اوارجه: [ا ر ج] (مغرب، ا) از اواره فارسی و به معنی آن است. (ناظم الاطباء). اوارچه، دفتر حسابی که حسابهای پراکنده دیوانی را در آن نویسند و آنرا دفتر اوارجه نیز گویند. (ناظم الاطباء) (منتهی الارب) (تذکره الملوك). دفتر اوارجه عبارتست از دفتري که هريکي از اصول ابواب المال يا اصول اخراجات مقرر را بر ورقي يا مبلغی کنند بحسب اقتضاء تفصيل و بعد مصرفه در زیر هر باب مالی بکشند به اندازه آن و هرچه از آن باب المال خرج شود بی سیاق ترتیب و حرف حرف یا دفعه دفعه در زیر آن مورخ بنویسند و وجه ذلک در زیر و هر خرج مقرری و هرچه در وجه آن اطلاق رفته همچنان بسیاقت و ترتیب در زیر آن بنویسند، تا هر وقت که خواهند باقی آن مال و تتمه آن خرج مقرر و معین بدانند او را قرار عقد کنند و خطی محرف زیر هر ورقي بکشند، و حاصل عقد بر ورق در زیر آن خط محرف بنویسند و کاتب باید که هر صفحه که تمام شود حاصل عقد حرفها و دفعه‌های آن صفحه در زیر ثبت کند، و هر وقت که مالی حوالت کند، یا خرج مقرری را اطلاق کنند، یا دفتر اوارجه و رجوع، والا مکررات و زواید بسیار اطلاق کنند، و مال

بدون تغییر (علامی، ۱۸۷۲: ۴)

۲۰. ثبت درخواست‌های مأمورانی که خواهان ترقی هستند و دادن اقامت برای سکونت آنها.

۲۱. تصدیق حضور داروغه‌ها، امین‌ها، مشرف‌ها و تحویلداران کارخانه‌ها

۲۲. ارزیابی کالاهای مختلف پیشکش (باج و هدیه) و اموال (دارایی شخصی مصادره شده منصبداران مُرده)

۲۳. تصدیق پاداش نقدی که به فرماندهان گردان سواران اختصاص دارد.

۲۴. تقسیم کردن مستخدمان (مسئولان حمل وسایل) بین کارخانه‌های مختلف

۲۵. تدارک و ساماندهی ازدواج‌های شاهزاده‌ها

۲۶. تهیه لیست پرداخت نقدی کل که باید مورد حسابرسی قرار گیرد (محاسبات) توسط

حسابرسان به دفتر میرسامان فرستاده شوند و یک کپی از آن باید به دفتر بیوتات داده شود.

۲۷. بررسی طرح‌ها (تصمیمات) مسکن و ساختمان‌ها (که قرار است برای حکومت ساخته

شود) (Sarkar, 1920:71-74; Qureshi, 2002: 53)

با توجه به شرح وظایفی که ذکر شد می‌توان میرسامان را در واقع سرپرست کارگاه‌ها و کارخانه‌های سلطنتی و ناظرکل دستگاه سلطنت در دوره جهانگیرشاه نامید که آن کارگاه‌ها و کارخانه‌ها متصدی تهیه ملزومات و مایحتاج دربار بودند بنابراین میرسامان را باید به نوعی پیشکار کل امور مالی سلطان و ناظرخرج دستگاه سلطنتی، عایدات و اموال شاه، اعم از منقول و غیرمنقول و آنچه در خزانه وارد یا از آن خارج می‌شد، دانست.

نتیجه

با دقت در وظایف میرسامان و با نظر به تشابهات آنها با کارکردهای بیوتات سلطنتی، می‌توان گفت منصب میرسامان در دوره جهانگیرشاه نوعی گرده‌برداری از منصب وکیل در دوره سلاطین دهلی و ناظر بیوتات سلطنتی صفویان بوده است. میرسامان در دوره جهانگیرشاه دارای مسؤولیت‌های مهمی از جمله فراهم کردن مایحتاج مسافرت‌های شاه؛ تحویل خلعت‌ها به سلطان جهت بخشش به صاحب‌منصبان؛ خریداری احتیاجات دربار، اعم از خوراک، پوشاک، آذوقه، لوازم آشپزخانه و آبدارخانه شاهی، ساخت ساختمان و تعمیر عمارات سلطنتی و رسیدگی به امور اتاقت البسه سلطان هم بوده است. نزدیکی به پادشاه و حضور در دربار سلطنتی موجب شد میرسامان نقش درخور توجهی در دربار جهانگیرشاه داشته باشد. جهانگیرشاه در انتخاب میرسامان دقت زیادی داشت و آنان را از میان نزدیکان خود انتخاب می‌کرد. جهانگیرشاه به مقام میرسامان اهمیت داد و موجب رشد آن شد به همین دلیل وی با افزایش تعداد نیروی نظامی تحت فرمان میرسامان بر قدرتش افزود. همچنین با توجه به نفوذ ایرانیان در دوره جهانگیرشاه به واسطه حضور خاندان‌های ایرانی در دربار و ازدواج جهانگیرشاه با دختری از خاندان تهرانی، بیشتر میرسامان‌های دوره وی از میان ایرانیان تعیین شده بودند. در دوره جهانگیر اهمیت جایگاه میرسامان موجب شد، تعدادی از میرسامان‌ها از این مسیر به مقام بالاتری دست پیدا کنند.

منابع

- آل داوود، سیدعلی (۱۳۸۴). «بیوتات سلطنتی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ابن بی بی (۱۳۲۰ش). اخبار سلاجقة روم، به کوشش محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۲۰ش.
- ابن ممات (۱۴۱۱ق. / ۱۹۹۱م). کتاب القوانين الدوانین، به اهتمام عزیز سوریال عطیه، قاهره. انوری، حسن (۱۳۸۱ش). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱ش). سلسله‌های اسلامی جدید و راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز باستانشناسی اسلام و ایران.
- بایزید، بیات (۱۳۸۲ش). تذکره همایون و اکبر، به اهتمام محمد هدایت حسین، تهران، اساطیر.
- بختاورخان، محمد (۱۹۷۹م). مرآة العالم: تاریخ اورنگ‌زیب، به کوشش ساجده س. علوی، لاهور.
- بداؤنی، عبدالقادر (۱۳۸۰ش). منتخب التواریخ، به تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- برگ‌نسی، نادیا (۱۳۸۸). «بیوتات سلطنتی»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۵، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- برنی، ضیاء‌الدین (۱۸۶۲ م). تاریخ فیروزشاهی، به کوشش سید احمدخان، کلکته.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۷۶ ش). برهان قاطع، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۰۷ق). فتوح البلدان، به اهتمام عبدالله انیس طباع و عمر انیس طباع، بیروت.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۴ش). تاریخ بیهقی، مصحح خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات مهتاب.
- جهانگیر (۱۳۵۹ش). جهانگیرنامه یا توزک جهانگیری، به اهتمام محمدهاشم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۵۹/۱۹۴۰م). قانون همایونی (همایون‌نامه)، به کوشش محمد هدایت حسین، کلکته.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۳ش). جامع‌التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی

موسوی، تهران.

سیوری، راجر (۱۳۸۴ش). «نظام تشکیلاتی صفویان»، در تاریخ ایران دوره صفویان کمریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چاپ دوم.
شاردن، ژان (۱۳۷۲-۱۳۷۵ش). سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲-۱۳۷۵ش..

شمس منشی، محمد بن هندوشاه (۱۹۶۴-۱۹۷۶). دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به کوشش عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو و.
شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶ش). در قلمرو خانات مغول، ترجمه فرامرزی سمیعی، تهران، امیرکبیر.

صمصام الدوله، شاهنوازخان (۱۸۸۸-۱۸۹۱م). مآثر الأمراء، کلکته.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷). تاریخ الامم والملوک، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
عبدالله (۱۹۵۴م). تاریخ داودی، تصحیح شیخ عبدالرشید، شعبه تاریخ مسلم یونیورسیتی علی گره.

عفیف شمس الدین سراج (۱۳۸۵ش). تاریخ فیروزشاهی، به کوشش ولایت حسین، کلکته، ۱۸۹۰، چاپ افست تهران.

علامی، ابوالفضل (۱۸۷۲م). آیین کبری، تصحیح ه بلخن، کلکته، بیتست مشن پریس.
علیزاده مقدم، بدرالسادات (۱۳۹۲ش). «نگاهی به جایگاه خاندان اعتمادالدوله طهرانی در دوره جهانگیر تیموری»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۹۳-۱۱۶.
فخرمدبر، محمد بن منصور بن سعید (۱۳۵۴ش). آئین کشورداری: شش باب بازیافته از آداب الحرب و الشجاعة، به اهتمام محمدسرور مولائی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
فرشته، هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۷ش). تاریخ فرشته، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فلسفی، نصرالله (۱۳۷۱ش). زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، چاپ پنجم.
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰ش). سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، چاپ دوم.

معصومی، محسن (۱۳۸۹ش). فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی دکن در دوره بهمنیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

میراحمدی، مریم (۱۳۶۸ش). نظام حکومت ایران در دوران اسلامی؛ پژوهشی در تشکیلات اداری، کشوری و لشکری ایران از صدر اسلام تا عصر مغول، تهران، مؤسسه مطالعات فرهنگی. مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۸ش). سازمان اداری حکومت صفوی، با تحقیقات و حواشی تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکرة الملوك، ترجمة مسعود رجب‌نیا، تهران. نسوی، محمد بن احمد (۱۳۲۴ش). سیره جلال الدین یا تاریخ جلالی، تصحیح محمد ناصح، تهران، انجمن ادبی ایران. نصیری، علی‌نقی (۱۳۷۲ش). القاب و مواجب دورة سلاطین صفویه، به کوشش یوسف رحیم‌لو، مشهد، دانشگاه فردوسی. نظام‌الدین احمد هروی (۱۹۲۷م). طبقات اکبری، تصحیح بی.‌دی.ئی، ایشاتک سوسائتی بنگال، کلکته. نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۸۹ش). سیرالملوک (سیاست‌نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. هروی، نظام‌الدین احمد (۱۹۲۷م). طبقات اکبری، تصحیح بی.‌دی.ئی، ایشاتک سوسائتی بنگال، کلکته.

1. Abdulaziz, Mohamad, (1925). "The Deccan in the 15th Century", in *Journal and Proceeding of the Asiatic Society of Bengal*.
2. Qureshi, I. Husain, (2002). *The administration Of The Mughul Empire*, Delhi.
3. Qureshi, I. H., (1958). *The Administration Of The Sultanate Of Delhi*, Karachi.
4. Sajun, K. A Lal, (1724). "The Mughals in the Deccan: "1687-1724", in *History of medieval Deccan: 1295-1724*", vol, ed H K Sherwani, Hyderabad.
5. Sarkar, Jadunath, (1920). *Mughul Administration (Patna University Readership Lectures)*, Calcutta.